

سه شنبه 11 جون 2019

مرجان کمال

## اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت نهم

عاقبت با اشک و غم کوه امیدم کاه شد

حافظا دیدی که کنعان دلم بی ماه شد

یوسف من تا قیامت همنشین چاه شد

گفته بودی یوسف گم گشته باز آید ولی



### شروع مبارزه مسلحانه علیه اقتدار سیاسی کابل

در هنگام به راه نداشتن جنگ دوم افغان - انگلیس در منطقه خیبر، افریدی ها به صورت قاطع وفاداری خود را در مقابل محمدزایی ها، در عوض دریافت کمک مالی از جانب حکومت کابل حفظ می کنند.

دولت مرکزی یک کنترول واقعی بالای تمام مناطق نداشته و با امضایی معاهده گندمک در سال 1897 میلادی انگلیس ها مناطق خیبر، میثنی (Michni) و کُرْم را تحت حمایت خود می آورند. قبایل قبول می کنند تا یک گروه مسلح محلی تحت فرماندهی انگلیس ها برای امنیت سرک ها و خیبر پاس (passe de Khaibar) بسازند. با وجود آن در تمام مدت جنگ دوم افغان - انگلیس ملا ها موفق به معکوس نمودن اقتدار به نفع خود با استفاده از عدم خشنودی سران قبایل که توسط انگلیس ها و دربار کابل ایجاد گردیده بود، گردیدند. دو پدیده در موفقیت ملا ها به حفظ بسیج شدن قبایل کمک نمود: از یک طرف منقلب شدن موازنه های محلات با پیوند و الحاق نمودن قلمرو قبایلی توسط انگلیس ها، به چند دسته تقسیم شدن، و سیاست تائیدی که توسط دولت مرکزی امیر عبدالرحمن خان اتخاذ گردیده بود که سبب از بین بردن اقتدار محلات و به بلند رفتن موقف ملا ها در ساحه سیاست محلی گردید. با وجود آن امیر عبدالرحمن خان سیاست سرکوبگرانه علیه ملا ها اختیار نمود، یکی از پسران امیر شیر علی خان، سردار محمد ایوب خان جنگ علیه انگلیس ها را در هرات و قندهار به راه انداخته و جنگ میوند را در ماه جولای سال 1880 میلادی در قندهار برنده شده و در این دو ولایت هرات و قندهار از شهرت و محبوبیت زیاد در بین مریدان طریقت نقشبندیه (مجددی ها) و همچنان در ردیف طرفداران ملا مشک عالم به زیان امیر عبدالرحمن خان که متهم به همکاری با انگلیس ها به هدف نگهداری قدرت بود، اخذ نمود.

رهبران طریقت نقشبندیه که از سردار محمد ایوب خان و اسحاق خان حمایت نموده بودند از طرف امیر عبدالرحمن خان متهم به غیر مؤمن و غیر پرهیزگار قلمداد گردیدند. در سال 1882 امیر عبدالرحمن خان امر اعدام محمد عمر مجددی و پسرش را که رهبران طریقت نقشبندیه بودند و از سردار محمد ایوب خان حمایت نموده بودند، داده و بقیه پسران فامیل مجددی را تبعید نمود. برعلاوه آخند عبدالرحیم کاکر که یک شخصیت دیگر با نفوذ و با اقتدار بود با یک تعداد ملا های دیگر که در خرقة مبارک پناه برده بودند اعدام شدند. ملا ابوبکر از غزنی زندانی و کمک مالی تا به سال 1882 قطع گردید. و برعلاوه مالیه بالای زمین هایش وضع و از نزدش درخواست مالیه هفت سال قبلی را نیز نمود و بالاخره اداره و سرپرستی اوقاف را نیز زیر کنترول مستقیم دولت قرار داده، و بالای سرمایه و دارایی مذهبیون مالیه وضع و کمک مالی برای حفاظت و نگهداری خانقا های طریقت را قطع نمود. تمام این اقدامات به اعتراضات مسلحانه علیه دربار و قوای استعمار در دو طرف خط دیورند خاتمه نداد، زیرا رهبران قبایل در مقابل سیاستی که توسط دو بازیگر از زمان سلطنت امیر دوست محمد خان رهبری می گردید عدم رضایت نشان دادند. جنگ

مقدس به یک هدف بارز در زندگی سیاسی در بین قبایل پشتون عرض وجود کرده و شخصیت های مذهبی در صف اول صحنه جهت تضعیف قدرت خان ها عمل می کنند. بطور مثال در هنگام خلق نمودن خط دیورند در سال 1893 میلادی یک قسمت از قبیله مهمند که توسط خان های لعل پور (Lalpoura) کنترل می گردیدند، تعدادی از ترکزی ها، همچنین حلیمزی ها، دویزی ها و عثمانزی ها از طرف سلطنت برتانیه عاید دریافت می کردند، در حالیکه قسمت های نسبتاً مقتدر لعل پور که در طرف دیگر سرحد موقعیت دارند عواید خود را از دست می دهند. در قسمت های قبلی ملاحظه نمودیم که چطور این دسته افراد توسط سیاست استخدام یک شورا برای انتخاب یک تعداد نو اعضا توسط اعضای که قبلاً منتخب شده بودند، که توسط محمدزایی ها رهنمایی گردیده بودند. این پدیده وسعت می یابد توسط بی نظمی اقتصادی رهبران قبایل که دلیل آن نتیجه وجود آمدن خط دیورند می باشد. بدین ترتیب اغتشاش در ولایت پکتیا توسط مشک عالم در سال 1883 میلادی، وزیری ها در زرمت و در منطقه کتواز بر پا شد. بعد از مرگ ملا مشک عالم پسرش عبدالکریم در سال 1886 میلادی جانشین وی می گردد، مخصوصاً در بین قبیله غلزایی ها، و از اغتشاش غلزایی ها در سال های 1887 - 1886 میلادی حمایت می کند و امیر را «ستایش گر خودش و دوست یک دولت خارجی» اعلان می کند. و به شبکه های دیگر قادریه مخصوصاً آن های که در چند کیلو متری جنوب شهر جلال آباد موقعیت داشتند، می پیوندند.

اغتشاشیون سال 1886 میلادی در حدود پنجصد قبیله در شرق، در نواحی کابل، در لغمان و در ننگرهار بسیج نمودند. امیر کوشش نمود تا یک جهاد علیه غلزایی ها اعلان نماید، لکن در این اعلان موفق به دریافت کمک از ملا ها نگردید، و ملا ها برایش یاد آوری نمودند «که آن ها برایش به غیر از دعا چیزی کرده نمی توانند زیرا وی تمام رهبران که می توانستند کمکش نمایند از بین برد، و همچنان علاوه نمودند که یگانه مبارزه که بر حق شمرده می شود که یک خطر اسلام را تهدید نماید». نوید.

به همین ترتیب عبد الغفور آخندزاده که همراهی ملا مشک عالم روابط خویشاوندی داشت، سبب اغتشاش اهالی چهارآسیاب علیه امیر شد. در سال 1897، ملا ای هده منشأ یک اغتشاش بزرگ و مخصوصاً شینواری ها علیه امیر با افشا نمودن روابط نزدیک وی با انگلیس ها گردید.

امیر عبدالرحمن خان به مهارت جوابش را به اعلان نمودن این که ملا صاحب هده جهاد را علیه امیر به راه انداخته است، ملا صاحب هده را به جرم پروپاگند برای وهابیت (Wahhâbisme) و افکار جنبش برلیوی (Barelvi) هندی محکوم و بازداشت نمود.

امیر کوشش پیوستن ملا صاحب هده را با خودش نمود و از وی خواستار گردید تا قبایل شینواری و غلزایی را از اغتشاش منصرف بسازد، مگر ملا صاحب هده متقابلاً از وی تقاضا حفاظت، عفو و بخشش قبایل را نمود، که از جانب امیر رد گردید. امیر کوشش از بین بردن ملای هده را می نماید لکن وی موفق به فرار می شود و در شرق در نزد قبیله مهمند پناه می برد.

بالاخره امیر کوشش به آوردن وی به کابل با ارسال دعوت نامه که در آن از اخلاص و وفاداری خود برای ملا صاحب هده ذکر می نماید، مگر ملا صاحب هده دعوت امیر را رد و در قلمرو مهمند باقی مانده و به فعالیت بسیج نمودن دوام می دهد، زیرا برای وی تهدید خلق شده توسط قدرت بزرگ استعماری انگلیس حق اولیت داشته است.

بر علاوه ملا صاحب هده در یک تعداد زیاد فعالیت ها بر علیه انگلیس در سال 1897 داخل بوده است سالی که هوتک ها نیز بر علیه امیر اغتشاش نمودند.

ادامه دارد